

* دکتر ایم شمیم خان

معرفی سفرنامہ ہامی

حاجی زین العابدین شیروانی

حاجی زین العابدین شیروانی متخلص بہ تمکین، ملقب بہ لقب
 طریقتی، مست علی شاہ فرزند ملا اسکندر بہ سال ۱۱۹۴ھ/۱۷۸۰ء در شہر شمالی شیروان چہتم
 بہ جہان گشود۔ وی در پنج سالگی ہمراہ با پدر رھپار کر بلا شہر و دوازہ سال در خدمت
 پدر و برخی از علمای کر بلا بہ تحصیل علوم متداول بود۔ در همین زمان بہ درک صحبت معصوم
 علی شاہ دکنی (مفتول: ۱۳۱۲ھ/۱۷۹۷م) نور علی شاہ اصفہانی - ۱۲۱۲ھ/۱۷۹۷م) و
 از عرفای بزرگ دیگر آن زمان نایل گردید و بہ نور علی شاہ شیخ بزرگ سلسلہ نعمت اللہیہ
 خود را پیوستہ و دنیا را اویہ بجا در رفت۔

- ۱۔ شیروانی، بتان السیاحہ، ص ۳۱۸، دیوان بیگی، ج ۲، ص ۱۰۵۵، معصوم علی شاہ
 طرائق الحقائق، ج ۲، ص ۳۳۳، اقبال شاہد، پایان نامہ دکتری، ص ۹۶۔
 ۲۔ شیروانی، بتان السیاحہ، ص ۳۱۸، همو، ریاض السیاحہ، ص ۴

ایم شمیم خان، راج شاہی یونیورسٹی، بنگلہ دیش

بعد از چند می هوای سیاحت آفاق و دیدار اهل عرفان او را به سیاحت کشورهای مختلف مانند عراق، آذربایجان، افغانستان، هندوستان، کشمیر، طغارتان، ترکستان، توران، مصر، فلسطین، روم، ترکیه و قسطنطنیه و دارکردوسی و هفت سال از زندگی خود را تا سال ۱۲۴۷/۱۸۳۲م به سیاحت آفاق سپری ساخت.

رضاقلی خان هدایت که خود نوشته "مکرر به صحبتش رسیده و مجالست دی گزیده" و با او "لفظی خاصی داشت" و ماجراهای شیروانی را از زبان خود او شنوده بود، درباره سفرهای زین العابدین شیروانی می نویسد:

"پای سیاحت گشود به بغداد رفت از آنجا به عراق عجم و از آنجا به گیلان و از آنجا به شیروان و موغان و طالش و آذربایجان و طبرستان و قهستان و خراسان و زابلستان و کابل و هندوستان و در پنجاب و الله آباد (اله آباد) و گجرات و دکن، مدتها توقف نمود و با هر طایفه معاشرت فرمود آنگاه به جزایر هندوستان و سودان و ماچین رفت و از بنا در رحمت بسیار کشید و به کشمیر آمده از راه مظفرآباد و کابل به ولایات تخارستان و توران و ترکستان و بدخشان، بعدها از راه خراسان و عراق با فارس رفت پس از عمان به حبشه و بطلحا و شام و ولایات روم و دیگر باره به ایران مراجعت نمود غرض سیاحت معقوبی کرده و با طوایف و ملل مختلفه معاشرت نموده شیروانی در دوران سیاحت طولانی خود یک سال در سندهشت سال در هندوستان و کشمیر ماندگار شد در این مسافرت با مردم هر دیار معاشرت نمود با بزرگان و شهبازان برخورد کرد و از اهل کمال و ارباب حال کسب فیض نمود و مورد احترام قرار گرفت"

۱. هدایت، مجمع الفصحا، ج ۴، ص ۱۸۴

۲. شیروانی، بستان السیاحه، ص ۳۱۹؛ هدایت، ریاض العارفين، ص ۴۱۳

شیروانی پس از درگذشت نوزعلیشاه به مجذوب علیشاه خلیفه نوزعلیشاه در شیراز دست ارادت داد. بعد از فوت وی ادعا کرد که مجذوب علیشاه قبل از حرکت به سوی تبریز او را جانشین خود ساخت، بود و بدین ترتیب وی جانشین طریقی مجذوب علیشاه است و مسلسله مشایخ نعمت‌اللهیه به او منتقل می‌گردد.

سال‌های آخر زندگی شیروانی در رنج و آزار گرفتار شد و از شهری به شهر سپری‌گشت. در سال ۱۲۵۳/۱۸۳۷ م به عزم حج بیت‌الله مکرم رفت. در این سفر حاج محمد تقی برادر رحمت علیشاه (۱۲۷۸/۱۸۶۱ م) و مریدان بسیار معتقد همراه وی بودند. به قول اصغر کرمانی، شیروانی قبل از رسیدن به منزل در راه درگذشت و در این ضمن از حاج محمد تقی نقل می‌کند:

«در آن سفر با جناب حاجی شیروانی، عیال‌شان در کشتی بودم و اصل کشتی بعضی خیال اذیت آنجناب داشتند مانع شدم، چون نزدیک جده رسیدیم وفات نمودند اموال را به بیغما بردند ولی عیال را با خبازه سالم‌آ به جده رساندم و در قبرستان امنا حوا دفن نموده پس از ادای متاسک حج و زیارت مدینه عیال را به شیراز آوردم»^۱

سه کتاب معروف به نام‌های ریاض‌السیاحه، حدایق‌السیاحه و لبستان‌السیاحه

۱. خانمی - تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، ص ۳۱۹

۲. دیوان بیگی، ج ۲، ص ۱۰۵۴

۳. نسائی، فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۹۷

۴. آفتاب‌شاه، ص ۹۷

۵. حامد ربانی، اصغر، صص پانزده و شانزده

آثار جاج زین العابدین شیروانی به یادگار است، ریاض السیاحه ۱۲۳۷هـ/ ۱۸۳۱م در قصبه قمتش به پایان رسید و به نام شاهزاده محمد رضا حاکم گیلان دیباچه شده است. بعد از دیباچه دارای یک خلد و چهار روضه و بهاری است به شرح زیر:

خلد	در چگونگی تقسیم زمین
روضه اول	ولایات ایران
روضه دوم	توران و کابلستان و کشمیر
روضه سوم	کشور روم
روضه چهارم	جزیره العرب و شام و مصر
بهار	کشور هندوستان

ریاض السیاحه تا آخر روضه در سال ۱۳۴۹هـ/ ۱۹۲۰م در اصفهان به کوشش سید سعید طباطبائی نائینی در چاپخانه گل بهار چاپ سنگی شده است. سپس در سال ۱۳۳۹ش/ ۱۹۲۰م از رومی همان چاپ در تهران تجدید چاپ گردیده، قسمت های دیگر این کتاب که در چاپ های ایران نیامده در سال ۱۹۴۷ با مقدمه و سعی و اهتمام آقا میر آقاسی ادغلی قلی یف در باکو به چاپ رسیده و به سال ۱۹۷۴ در سه مجلد از ماسکو تجدید چاپ شده است.

تالیف حدائق السیاحه در سال ۱۲۴۲هـ/ ۱۸۲۴ در شیراز به پایان رسیده است

له. اقتبال شاید - ص ۹۷

له. اقتبال شاید - ص ۹۸

این کتاب شامل یک بوستان ۲۸ حریفه و یک گلستان کوتاه است. بوستان در مقدمه ترتیب حداثی و هر یک از حریفه ها در بیان یکی از حروف تهجی است و نام شهرها را مطالب و ترتیب حروف الفبای است بر خلاف ریاض السیاحه که به ترتیب عنوان های کشورها است. این کتاب بر اساس دو نسخه خطی مورخ ۱۲۴۴هـ / ۱۸۲۸م ضمن نشریات خانقاه گنابادی با مقدمه سلطان حسین تابنده گنابادی در سال ۱۳۴۸ ش / ۱۹۶۹م در تهران به چاپ رسیده است.

بوستان السیاحه در سال ۱۲۴۸هـ / ۱۸۳۲م نگاشته شد و دیباچه آن به نام محمد شاه قاجار است. بوستان السیاحه بار اول به کوشش میرزا سید عبداللّه مستوفی به خط زرین العابدین قزوینی در سال ۱۳۱۰هـ / ۱۸۹۲م چاپ سنگی شده همین چاپ به توسط کتابزوی سنائی در تهران بدون ذکر تاریخ چاپ تجدید چاپ شده است. بوستان السیاحه بار دوم به خط حسن اصفهانی و جبه اهتمام سید سعید طباطبائی تائینی در سال ۱۳۴۲هـ / ۱۹۲۵م در اصفهان به چاپ سنگی رسید.

بوستان السیاحه مشتمل بر چهار باب یک سیر بیت و هشت گلشن و یک بهار است و مقدمه بسیار شیوایی دارد. باب اول در شرح حال خاتم النبیین صلی الله علیه و سلم و آئمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین، باب دوم در شرح حال برخی از علماء عرفا، حکماء و شاعران و دانش مندان، باب سوم در بیان مذاهب و عاقداید مختلف و باب چهارم درباره نامها، اطلاعات جغرافیائی ایران، ترکستان، افغانستان، هندوستان، اروپا، چین، مصر و شام و غیره نگاشته شده است.

سیر شامل مقدمه و ترتیب مطالب بوستان السیاحه است و از بیت هشت گلشن هر کدام در شرح حال کسان، مغزنی شهرها و بیان مطالب مهم علمی و دینی مانند الفقه

نامه‌ها و دأرة المعارف‌ها به ترتیب حروف النبائی آورده شده است .
 بهار دارامی چهار گلزار است 'گلزار اول در بیان تعبیر خواب 'گلزار دوم در ذکر
 جاها که شیروانی در دوران سیاحت آنها را دیده است 'گلزار سوم در بیان اخبار متنفذ و
 گلزار چهارم درباره خاتمه بستان السیاحه است .

شیروانی از زمره نویسندگان است که در قرن سیزدهم طرز و شیوه خاصی
 در سفرنامه نویسی پدید آورند و اطلاعات دأر المعارف گونه ای در سفرنامه‌های
 خود گردآوری نمودند . شیروانی تحول و ویژه ای در سفرنامه نویسی به وجود آورد . مهمترین
 ویژگی او در آن است که سفرنامه نویسی را با دانشنامه نویسی در آمیخت
 و دیگر این که رویدادهای سفر را نه به ترتیب تاریخ دیدار بلکه به ترتیب حروف الفبا
 تنظیم کرد . علاوه بر آن در ذکر هر شهر و جایگاه به مغزنی دانش متدیان و وضعیت
 جغرافیایی و سابقه تاریخی شهر ، آداب و رسوم ، اعتقادات و اطلاعاتی در مورد فرق و
 مذاهب در تناسب با موضوع به دست می دهد به قول محمد تقی بهار :

"بستان السیاحه حاج زین العابدین شیروانی را نمی توان یک کتاب علمی
 خاصی نامید . زیرا به قدری مطلب متفرق از تاریخی و روایات در آن انباشته شده
 که حال "جنگ" را پیدا کرده است" .

در بستان السیاحه برخلاف روش سفرنامه نگاران از ذکر راهها و مسافت ها و آنچه در
 قدیم مسالک خوانده می شد جایگاه بخصوصی در سفرنامه‌ها از لحاظ راهنمایی مسافران داشت خود دارای
 شده است .

آنچه که بستان السیاحه و سایر آثار شیروانی را از دأرة المعارف متمایز می

سازد آن است که شیروانی به هنگام معرفی بزرگان هر متصلقه یا توصیف شهرها و محیط‌های گوناگون به عنوان شاهد و ناظر به روایت می‌پردازد به عنوان نمونه در پاره شهر پشاور (در پاکستان کنول) می‌نویسد.

پشاور در اصل پیش آور است. ترکیب کرده پشاور گفتند شهری است عظیم و بیده ای است از قدیم از اقلیم سیم و هوایش گرم و آبلش بعضی از رود و بعضی از چاه آن شهر در زمین هموار واقع و اطرافش واسع قریب سی هزار باب خانه در او است و نواحی دلگشا و بویک رغبت افزا مضافات او است. خانه‌های آنجا همگی دو طبقه و سه طبقه و از اجزای باغات خوب و میوه‌های گرم سیرش مرغوب و جنوب و غلاتش فراوان. برنج آن دیار به غایت ممتاز و اوزان است. گویا در عالم منحصر است و بپراکنده نماند برنج پشاور ندیده و از سیاحان نیز شنیده است. مسکن طوایف امم مختلفه از ترک و تاجیک و افغان و هندوان و بعد مسلمان و مقتدر قوم افغان است و قریب سی هزار باب خانه در او است. در موسم تابستان در هوایش غایت حرارت و هنگام زمستان در کمال لطاحت است. راقم مدت یک سال در آنجا بوده و نیکتر مکرر مشاهده می‌نموده صاحبان حسن و ملاحات و خداوندان علم و معرفت در آن ولایت دیده و به خدمت ایشان رسیده که اگر همگی ایشان مذکور شود مطلب به طول انجامد.

شیروانی در طی مدت اقامت خود در شهر به قاره شهرهای بزرگ را دیده و در آثار خویش به وصف آنها پرداخته حتی از ذکر شهرهای کوچک

غیر معروف که در منابع او کمتر دیده می شود فسر و گذار نکرده است. شهرهای شبیه
تاره که آثار شیردانی معرفی شده از این قرار است.

آگره، ایکن، احمدآباد (دکن)، احمدآباد، احمدنگر، اجمیر، اسلامگر،
اکبرآباد، اله آباد، امرنسر، ادچ، اورنگ آباد، برهان پور، بره موله، بریلی، پیناس، بمبئی، بیجاپور،
بیجانگر، پند دادنخان، پونه، پشاور، تانده، تته، تربت، جانیپور، جلال پور، جلدور،
جمرو، جند، جهانگیرنگر، جی پور، چیتال، چیتگام، چچره، حسن ابدال، حیدرآباد،
دکن، حیدرآباد، سند، خان پور، خاسا، آباد، خیبر، داکه، دکن، دلی، راج محل،
رام پور، رسونگر، سرهند، سرینگر، سکر، بکر، سلطنت، سهارن پور، سیون، شریف،
شاه پور، جهان آباد، صادق آباد، ظفر آباد، عاشق آباد، عظیم آباد، فتح پور، فیض آباد،
کراچی، کشمیر، کلکتہ، گجرات، لاہور، لکھنؤ، لیپہ، مانک، رای، مرشد آباد، مراد آباد،
منظف آباد، ملتان، منصورہ، میر پور، ناگپور، ناگور، نند پور، نور پور، وزیر آباد، ہارون آباد،
ہرن پور، ہوگلی، دیچی پور، وغیرہ. البتہ ممکن است برخی از شہرہای مزبور
را ندیده باشد و توصیف آنها از منابع خود برگرفته باشد.

شیردانی مانند برخی از سفرنامہ نویسندگان از ذکر نیاہای تاریخی و
مہم شبہ قارہ نورزیدہ و بہ ہنگام معرفی شہرہای از آنها یاد کردہ است. بہ عنوان
مثال در بیان شہر آگرہ (اکبرآباد) تاریخچہ بنای معروف تاج محل را با ہزینہ ہا و
مخارج ساختن آن بطور کامل توضیح دادہ است و دلال قلعہ دہلی را بہ تفصیل می شناساند.
بہ ہمین ترتیب بناہای تاریخی شہر لاہور قلعہ پادشاہی، مسجد پادشاہی و
مقبرہ جہانگیر (حک: ۱۰۱۴-۱۰۳۷ھ) را بطور کامل شرح می دہند. نمونہ ای از
دقت نظردی در توصیف قلعہ پادشاہی حبلوہ گر است.

قلعه پادشاه سمت غربی و شمالی شهر واقع و متصل است. از طرف مشرق
 منفصل است. از جانب مغرب مقدار صد گام و از جهت شمال درودی بزرگ قریب
 پانصد گام دور است و دور حصار نار این قلعه تقریباً شش هزار گام می شود. آن
 حصار سپهر آثار به غایت استوار و از سنگ سرخ تراشیده - سحاق مانند بنیاد
 کرده اند و آن حصار خاصه نشین شهر یار است و از بناهای نورالدین جهانگیر (حک)
 ۱۰۱۴ - ۱۰۳۷ هـ) است و آن مشتمل است بر دیوان خانه وسیع و عالی که چهل ستون
 یک پارچه از سنگ سماق در آن گذاشته اند. و تحت یک پارچه از سماق
 دو گز طول و یک گز و نیم عرض جهت نشین سلطان وضع نموده اند که دید گردون با هزاران
 دیده مانند آن تخت و دیوان خانه کمتر دیده و حمای از سنگ مرمر و ستونهای آن
 یک حوض آن از سنگ یشم از هفت پارچه و حرم سرای که متخوای است به
 صد حجره دبرخی مشمن و الوان صحن خانه مربع و جمیع صحن خانه و حجرات به اصجار ملون مانند
 قالیین و مسند و یا هونقاری نموده چنان جفت گیری کرده اند که به نظر بیننده دخانه و
 حجرات مفروشی می آید^۱.

در میان سفرنامه های ایرانیان سیاحت گره شیه قاره کمتر کسی است که به بیان
 عقاید هندوان نپرداخته باشد شیروانی نیز باین مفصل را به عقاید مختلف هندوان
 اختصاص داده است -

شیروانی به قول رضا علی هدایت گاهی فکر شعری می کرد و نظمی می سرود. در

۱. شیروانی - بتان السیاحه، صص ۵۰۹ - ۵۱۰

۲. هدایت، ریاض العارفین، ص ۴۱۳

۳. همو، مجمع الفصحا، ج ۴ - ص ۱۸۴

مجمع الفصحاء وریاض العارفين چند غزل رباعی و رباعی از ادنقل شده است. به همین سبب در آثار خود از ذکر شاعران شبیه قاره غافل نبوده است و با عرفا و بزرگان به احوال شاعران شبیه قاره نیتر پرداخته است.

توصیف شهرها و مطالبی که مربوط به شبیه قاره در هر سه کتاب شیروانی آمده یکسان است بنا بر این بررسی جداگانه کتابهای او درین مورد لازم ندارد ●

کتابنامه منابع

- اقبال شاهد محمد پایان نامه دکتری تهران ۱۳۷۷ ش
 بهار محمد تقی سبک شناسی ۳ ج تهران ۱۳۷۵ ش
 حامد ربانی اصغر مقدمه ریاض السیاحه زین العابدین شیروانی تهران ۱۳۳۹ ش
 خاتمی احمد تاریخ ادبیات ایران موسسه فرهنگی و انتشاراتی تهران ۱۳۱۳ ش
 دیوان بیگی سید احمد شیرازی حدیقه الشعراء، ج ۲، به تصحیح عبدالحسن نوائی
 تهران ۱۳۶۵ ش
 سادات ناصری سید حسن سرآمدان فرهنگ دبایرخ ایران در دوره اسلامی
 ج ۱ - تهران ۱۳۵۳ ش
 شیروانی زین العابدین بستان السیاحه چاپ افست از چاپ سنگی کتابخانه
 سنائی تهران (بی تا)
 فنائی حاج میرزا حسن حسین فارسی نامه ناصری به تصحیح منصور راستکار فنائی انتشارات
 امیر کبیر تهران -

معصوم علیشاه، نائب‌الصدر شیرازی، تحفة‌الحمین، به کوشش مطهر بختیار،

انتشارات بابک تهران ۱۳۶۳ ش

هدایت، رضاقلی‌خان، تذکره ریاض‌العارفین، به کوشش مهر علی‌گرگانی کتاب‌بوزرشی

نمودی، تهران، ۱۳۴۴ ش